

سیاف جهاد گر دین یا قاتل افشار و تاراجگر زمین؟؟؟

بخش پنجم

تحقیق و پژوهش از استاد (صبح)

مردم ما از کمیودها و کسرها گله ندارند، آنچه که آنان را می آزارد و صدایشان را به فلک می رساند، عملکردهای ناروا و سوء استفاده از بیت المال و چور و چپاول اموال و دارایی های ملی و مردمی است.



واعظان امروز گر جلوه به منبر می کنند
هم عیان و هم به خلوت کار دیگر می کنند
دیگر آن شرم و حیا رفته، اکنون آشکار
هرچه را فرمان دهد آن نفس کافر می کنند
زهد آموزند بر مردم ز آیات و حدیث
خویش را اما ز سیم و زر توانگر می کنند
با چنین رفتار شان ایمان مردم سست شد
بس که این تزویر در دین پیغمبر می کنند
در جدال قدرت و غافل ز رنج مردمی
کان چنین با بینوایی عمر خود سر می کنند.

زمانی که سیاف در دوران حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان، کشور را ترک می کرد، به گفته ی خود او- یک عصا چوب بیشتر نداشت، اما پرسش این است که سیاف این همه سرمایه را به چه بهای به دست آورده است؟. شکایت های زیادی از غصب اموال و دارایی های مردم وجود دارد، اما تا اکنون

هیچ اقدامی برای مهار نامبرده صورت نگرفته است. تنها در ماه مارچ ۲۰۰۷ میلادی نیروهای آمریکایی به خانه ی سیاف در یغمان پورش بردند که علت آن بیشتر مسایل امنیتی و ارتباطات احتمالی وی با تروریسم بوده است. پس از آن سیاف مجال بیشتری برای فعالیت های تجارتي غیر مشروع یافته است. مردم در یغمان بارها نسبت به غصب زمین هایشان و همچنین زندانی شدن وابستگانشان در زندان شخصی سیاف به دفتر رییس جمهور قبلی شکایت و مقابل پارلمان نام نهاد مظاهره کردند اما با هر عریضه و مظاهره، تهدیدها از جانب سیاف و افرادش علیه آنان بیشتر شد.

عبدالرب رسول سیاف مسوول تنظیم دعوت اسلامی (حزب اتحاد اسلامی سابق) و وکیل در پارلمان می باشد. وی بارها بخاطر نقشش در جنگ های داخلی افغانستان از جانب سازمان دیده بان حقوق بشر به جنایات جنگی متهم شده است. وی طرفدار حرکت سلفی گری وهابی در افغانستان است و برداشت های افراطی از اسلام دارد. به همین خاطر است که او را نماد تندروی در افغانستان می شمردند. سیاف در جنگ های داخلی افغانستان در بین سالهای ۱۳۷۴-۱۳۷۱ مهم ترین نقش را داشته است طوری که به دستور وی غرب کابل به یک ویرانه تبدیل شده و هزاران غیر نظامی به دستور رسول سیاف قتل عام شده است.

سیاف به شدت پایبند طرز تفکر سلفی است. او برای اثبات وفاداری خود به عقاید سلفیان سعودی، حتا نامش را از عبدالرسول سیاف به عبدالرب رسول سیاف، تغییر داد و همین باعث شد که باری یکی از نمایندگان دولت عربستان سعودی در جلسه ای در پیشاور، به او طعنه بزند و بگوید که ما بودیم تو را مسلمان ساختیم و حتا نام مسلمانی برایت انتخاب کردیم!. امروز رسول سیاف یکی از جمله رهبران جهادی است که صاحب میلیاردها پول است. زمانی که سیاف در دوران حاکمیت حزب دمکراتیک خلق افغانستان، کشور را ترک می کرد، به گفته ای خود او- یک عصا چوب بیشتر نداشت، اما پرسش این است که سیاف این همه سرمایه را به چه بهای به دست آورده است؟

سیاف از آن جایی که تعلیم دینی اش را در کشورهای اسلامی به پایان رسانده بود از حمایت خاص این کشورها و به ویژه عربستان سعودی برخوردار بود. وی در سال ۱۳۷۱، همراه با دیگر تنظیم های جهادی وارد کشور شد و به مهم ترین حامی برهان الدین ربانی تبدیل شد. در سال های ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۴ در درگیری های میان گروهی کابل نقش اساسی داشت و نبردهای حزب تحت فرمان او با حزب وحدت در غرب کابل شهرت فراوان دارد. این دو حزب در آن سالها جنگ های خونینی با هم داشتند که منجر به کشته و مجروح شدن صدها تن از افراد غیرنظامی شد و غرب کابل هم به ویرانه تبدیل شد. سیاف بارها به دلیل حضورش در جنگ های داخلی افغانستان از جانب سازمان دیده بان حقوق بشر به جنایات جنگی

متهم شده است. همان طوری که میدانیم نیروهای سیاف و جنایتکاران دیگر در افشار سیلو جنایت و وحشت نابخشیدنی مرتکب شده اند. رسول سیاف، یکی از قصابان این فاجعه هولناک، در حمله و تجاوز به افشار به عساکرش گفته بود: سر بریده سخن ندارد، هزاره ی خوب هزاره ی مرده است.

سیاف در جنگهای داخلی افغانستان در بین سالهای ۱۳۷۴-۱۳۷۱ با شرکایی جنایتکارش - غرب کابل را به یک ویرانه تبدیل نموده و هزاران غیر نظامی به دستور آنان قتل عام شده است. وی به دلیل شعله ور تر کردن جنگهای داخلی در افغانستان در سالهای ۱۳۷۴-۱۳۷۱ از سوی دیده بان حقوق بشر به جنایت جنگی و نقض حقوق بشر متهم گردید، که متأسفانه هنوز محکمه در این خصوص تشکیل نشده است.

بزرگترین جنایاتی که در دوره جنگ های داخلی در افغانستان آنهم در شهر پرنفوس کابل به شکل عمدی، آگاهانه و سیستماتیک توسط جنایات کاران صورت گرفته یکی هم، قتل عام مردم افشار بود که در آن یک شهر انسان فقط به جرم هزاره بودن نابود گشتند. این جنایت توسط جنایتکاران جنگ های داخلی از جمله عبدالرب رسول سیاف، احمد شاه مسعود، ملا مارشال فهیم، شیخ محسنی، سید حسین انوری، یونس قانونی، داکتر عبدالله و . . . صورت گرفت. بزرگ ترین جنایت را این افراد در تاریخ افغانستان و جهان به نام شان ثبت کردند که شامل تجاوز به زنان در برابر مردان خانواده، کشتن مردان خانواده در برابر زنان، به برده گی گرفتن دختران و زنان، کشتار مردم در اماکن همگانی از جمله در تکیه خانه افشار، بی حرمتی به اجساد مردگان، قتل و تجاوز به جرم هزاره بودن، بود.

جنایت به چگونگی و کیفیت عمل جنایت کار مرتبط است نه به کمیت جنایت. مهم این است که جنایت برای چه صورت گرفته است و جنایت کار چه هدفی از جنایتش داشته است. هم در آموزش دینی اسلام و هم در حقوق بشر، نفس یک آدم، نمونه ای از تمام بشریت و عالم در نظر گرفته شده است. هنگامی که یک شخص را می کشند در حقیقت همه بشریت را کشته اند. جنایت افشار، یکی از جنایات ضد بشری در تاریخ بشریت است.

زیرا این جنایت از طرف احمد شاه مسعود، برهان الدین ربانی، عبدالرب رسول سیاف، شیخ آصف محسنی و دیگران به هدف محو نابودی که گروه اتنیکی صورت گرفته است. در این تراژیدی یک شهر انسان به جرم هزاره بودن قتل عام شده اند و نیت جنایت کاران، از این جنایت، نسل کشی بوده است.

مهاجمان سنگ دل پس از تسلط بر افشار برای قتل و غارت و جنایت وارد کوچه های افشار شده و پس از هجوم به خانه ها و منازل مردم دست به کشتن افراد جوان زدند و آنها را در منازل شان به شهادت رساندند و حتی زنان را به اسارت گرفته و مردان را در کوچه ها و خیابانها شهید کردند. اینان تاچند روز متوالی به کشتار، قتل و غارت و تجاوز و تخریب منازل ادامه دادند. و وحشیانه داخل منازل شده و

از هیچ جنایتی دریغ نکردند. جنایاتی که در افشار ارتکاب یافت مصداق بارز جنایت به مفهوم حقوقی بر اساس قوانین ملی و بین المللی است.

اقتضای عدالت و نظم جامعه ایجاب می کند که مرتکبین جنایت مجازات شوند. اما در افغانستان گرچه بزرگترین جنایات تاریخ بشریت انجام گرفته است، به همان مقیاس جنایتکاران نه تنها مجازات نشده بلکه به مناصب بالای دولتی و حکومتی گماشته شده و همچنان جنایت می کنند.

این امر اما به معنای مخدوش شدن اصل مجازات جنایتکاران نیست. محاکم داخلی امروز نه توان و نه اراده لازم برای محاکمه این جنایتکاران را دارد زیرا خود از جنایتکاران تشکیل شده است.

مشکل دیگری فعلی غصب زمین های دولتی و مردمی از سوی زورمندان محلی در کابل و سایر ولایات کشور، از بارزترین مظاهر فساد در کشور است و به نظر می رسد دولت نیز توانایی چندانی برای مبارزه با این معضل عظیم اجتماعی و اقتصادی ندارد. مردم بر این باور اند که غاصبان با وزارتخانه های دولتی و نمایندگان مجلس، پیوند دارند و این امر، مانع از اعمال قانون و سلطه دولت بر آنها می شود. تا اکنون میلیون ها جریب زمین در سراسر کشور، به صورت غیرقانونی در اختیار زورمندان است و اکثر این چپاولگران و زورگیران از نزدیکان مقام های حکومتی و قوماندانان جهادی جمعیت، شورای نظار و اتحاد سیاف اند که با زور سلاح و کشتن و بردن و بستن سخن میگویند.

سیاف در دوران حاکمیت مصلحت گرا و بی کفایت کرزی در پهلوی دیگر استفاده جویی ها در چور و چپاول زمین های شخصی و دولتی نیز کوتاهی نکرده است. رسول سیاف و تفنگداران ظالمش بیشترین زمین ها را در کابل و اطراف آن غصب نموده اند. سیاف و جنگسالارانش چون ممتاز، حاجی شیرعلم، آمر عبدالستار، اکیبی، قوماندان داکتر عبدالله . . . هر کدام هزاران جریب زمین غصب شده در اختیار دارند. از چندین سال بدینسو اعتراضات مردم «شش گذر» ولسوالی پغمان علیه سیاف بلند است که میگویند باند سیاف حدود ده هزار جریب زمین را که ملکیت آنان می باشد به زور تصاحب نموده است. تظاهرات مردم پغمان علیه سیاف تا حال چندین بار به خونریزی و کشته شدن مردم بیچاره منجر گردیده است. بخشی از این زمین های دعوی در ساحه چانغر در کنار شاهراه کابل - کندهار موقعیت دارند.

سیاف و حواریونش هزاران جریب زمین دشت چمنله را به زور تصاحب شده به قیمت هنگفت بالای مردم به فروش رسانیدند. قضیه دیگر زمین دزدی در ولسوالی کلکان کابل هم اکنون جنجال های شدیدی را دامن زده است سیاف و همراهانش دست دارد. داوود کلکانی عضو پارلمان که از سفره نشینان سیاف است در همدستی با قوماندان ممتاز (برادرزاده سیاف) حدود یکهزار جریب زمین ساحه آقاسرای و شیخوی این ولسوالی را تصاحب نموده اند و به زور تفنگ این زمین را در چنگ شان نگهداشته اند. حتی

این دزدان بین خود در اثر اختلافاتی درگیر شده اند. جالب اینست که این زورگیران تفنگدار مالکیت مردم را با استفاده از مقام دولتی قباله های تقلبی ساخته اند.

چندی قبل تلویزیون خصوصی لمر، مصاحبه ای داشت با یکی از سران جهاد - عبدالرب رسول سیاف نماینده در پارلمان. او در ابتدا حاکم به نظر می رسید، اما وقتی صحبت به جنایتکاران و محاکمه شان رسید، دست و پاچه و وارخطا و به خواندن آیات متوسل شد. از آنجایی که این ریاکاران دین همه چیز را از زیر عینک فریبکاری دینی می بینند، به این لحاظ اظهار نمود که فهم قانون اساسی به فهم دین ضرورت دارد امر خدا است که اگر مسلمانان با هم درگیر شدند، شما بین آنها صلح کنید، خداوند از ما می خواهد. این جنایتکاران قرن چرا در آن سال هایی که بر قدرت لمیده و طیاره بست دشمن دیروزی شان (روسها) پول میفرستاد و اینان خون می ریختند، بین خود صلح نکردند؟

آیا در آن وقت خداوند از ایشان تقاضای صلح ننمود؟ وقتی مردم در آتش جنگ های خاینانه می سوختند، امر خداوند کجا بود؟ جنگ را دیگران دامن زدند و هنوز هم خواهان جورآمد بین ما نیستند اما بلافاصله متوجه می شود و می گوید: ما آنقدر گنس و گول نبودیم که دیگران از ما استفاده کنند! کسانی که این فیصله رارد می کنند، سر این ملت دل شان یخ نکرده است، باز می خواهند این ملت به خاک و خون بغلتد. مردم که یک بار بدست گرگ صفتان تشنه به خاک و خون غلتید، این کدام افراد اند (جز ویرانگران سه دهه اخیر) که دل شان به این ملت یخ نکرده است؟.

سیاف گفت: من پیش ملت یک مجاهد هستم و گروهی را رهبری کردم. تو در نزد ملت یک جنایتکار و قاتل هزاران انسان بی گناه هستی، تو یک جاسوس حلقه به گوش آی اس آی، عربستان سعودی و . . . هستی. سیاف! تو همان گروهی را رهبری کردی که این ملت را به روز سیاه نشانند، همان گروهی که دختران افغان را پیش پای عرب ها انداخت، همان گروهی که خون مردم مظلوم هزاره را مباح می دانست و هر هزاره را به نام حزب وحدت، سرمی برید، تو همانی که اکنون هم زمین های مردم پغمان را قبضه نموده اید. وی گفت، وقتی از زندان برآمدم، یک عصا چوب در دستم نبود. به این می گویند اعتراف جانانه. اما این ملیون ها دالر، آرگاه و بارگاه، نوکر و چاکر و موتر و زمین را از کجا کردید؟

وقتی از سیاف پرسیده شد که چرا در آن وقت مانع از جنگ نشدید، در جواب گفت: تنها خدا است که هر چیزی را بخواد کرده می تواند. به تعبیر سیاف، پس این خدا بود که جنگ ها را در کابل شعله ور نمود، خانه های مردم را ویران کرد، زنان را بی سرپرست و کودکان را آواره نمود، بر فرق مردم میخ می کوبید، آنان را زنده زنده در کانتینرها کباب نمود، بر عفت زنان تجاوز نمود، در دهه هفتاد (تنظیم های

اتحاد، محاذ، جمعیت، شورای نظار، حزب اسلامی، حزب اسلامی خالص، حرکت های مولوی محمد نبی محمدی و شیخ آصف محسنی و . . . جفای بزرگی را بر ملت روا داشتند).

رسول سیاف، در ادامه ی جنایت های خود، بعد از سقوط طالبان، در حمایت های کرزی قرار داشته، با کمک و مشوره ی افراد تجارتي خود، دست به غصب گسترده ی زمین زده است.

با غصب زمین ها، گروه اقتصادی سیاف، ساختن مارکیت و بازار، تعمیرهای مجلل با قصر و باغ و . . . ساخته اند. غصب این زمین ها از دو استقامت در شهر کابل و اطراف آن صورت گرفته است. استقامت اول از کوئل خیرخانه آغاز و به چمتله، پغمان الی ارغندی می رسد. استقامت دوم نیز وزیر اکبرخان، باغ بالا، خوشحال مینه، بازار کمپنی، قلعه حیدر خان الی ارغندی می باشد. در مرکز شهر کابل نیز، سیاف و گروه اقتصادی وی تعمیرات و زمین هایی را غصب و یا با پول بدست آورده از این تجارت خریداری کرده است. سیاف از حمایت های بی دریغ رییس دولت برخوردار است.

شکایت های زیادی از غصب اموال و دارایی های مردم وجود دارد، اما تا کنون هیچ اقدامی برای مهار نامبرده صورت نگرفته است. تنها در ماه مارچ ۲۰۰۷ میلادی نیروهای آمریکایی به خانه ی سیاف در پغمان پورش بردند که علت آن بیشتر مسایل امنیتی و ارتباطات احتمالی وی با تروریزم بوده است.

پس از این حادثه، کرزی بارها از سیاف بدلیل حمله ی نیروهای آمریکایی پوزش خواسته و قول داده که چنین مواردی دیگر تکرار نشود. پس از آن سیاف مجال بیشتری برای فعالیت های تجارتي غیر مشروع یافته است. مردم در پغمان بارها نسبت به غصب زمین هایشان و همچنین زندانی شدن وابستگانشان در زندان شخصی سیاف به دفتر رییس جمهور شکایت و مقابل پارلمان مظاهره کردند اما با هر عریضه و مظاهره، تهدید ها از جانب سیاف و افرادش علیه آنان بیشتر شد. ثارنوالی و محاکم کشور هیچگاه دوسیه های غصب توسط سیاف را روی دست نگرفته و همیشه از وی به عنوان استاد سیاف، با نیکی یاد می کند.

احمد مشاهد

آن درد کدام است که درمان شدنی نیست؟

آن لطمه کدام است که جبران شدنی نیست؟

بد خواه وطن بهر تو خیر خواه نگرود

این گرگ همان است که چوپان شدنی نیست.



خشنونت، خیانت، چپاولگری و زورگویی همه جا را گرفته صحبت از حقوق انسان ابلهی است.

دیرگاهی است در چراگاه دنیا

گرگها با خشنونت بر گله میشها میزنند، میدرنند و خون برپا میکنند.

دیرگاهی است روباه ها با حيله و ریا به دنبال آزار خرگوش هاینند.

و کرکسها بیرحمانه چشمان لاشه ها را از کاسه بیرون میکنند.

و انسان آشفته و مبهوت می پرسد:

آیا میشود باز هم از حقوق بشر گفت؟.

احمد مشاهد عضو تنظیم جمعیت و از وفادار ترین اشخاص به شورای نظار است و در سالهای گرماگرم پاکستان رفتن، طب را تمام ناکرده راهی پاکستان گردید و مثل دیگر سران جهادی پیشوند داکتر را هم به نامش علاوه کرد. او بعد از سقوط رژیم نجیب، یکی از تندروانی دسته مسعود در مربوطات ورسج فرخار به حساب می آمد. به همین دلیل با اوج درگیری های تنظیمی در تخار و کندز منحصی والی ولایت تخار به وظیفه گماشته شد. مشاهد زمانی که ورسج یکی از پایگاه های عمده شورای نظار و جمعیت در شمال به حساب می آمد، منحصی مسوول جبهات فرخار و ورسج تعیین گردیده بود. او شخص پول پرست، حسود، کینه دل و در عین حال زیرک است. وقتی پای منفعت پولی در میان باشد از عزیزترین دوستانش هم می گذرد. بعد از مرگ جنرال داوود بدلیل مخالفت بین تیم کرزی و عبدالله، هرج و مرج و بحران امنیتی در ولسوالی های ورسج و فرخار بالا گرفت. قوماندان عبدالاول به طرفداری داوود و دیکته عبدالله به کوه برآمده بود و قوماندان قهار خرماوی به پشتوانه و دیکته فهیم و مشاهد علیه او می جنگید که پریشانی و دربدری عمیقی را بر زندگی مردم فرخار و ورسج ایجاد کردند و بیگناهان زیادی در جنگ بین شان کشته شدند.

مشاهد از تخار، ضرار احمد مقبل از پروان، زلمی مجددی از بدخشان، هر کدام سرتیم ها و سرحلقه های تنظیم جمعیت اند که در صفحات شمال مهره های قابل اعتماد کرزی بشمار می رفتند و از آنان به مثابه دانه های ارزشمند و ارزان در کارهای سیاسی اش علیه تیم عبدالله، استفاده می کند.

مرض مزمن دیگری که او را همیشه می‌آزارد، رشک بردن از موقف و قدرت دیگران است. این گوشه شخصیتش باعث شده که بر رقبای خود رحم نکرده با هزار نیرنگ آنان را نابود نماید. او با استفاده از موقف نظامی و سیاسی‌ای که در جبهات فرخار و ورسج داشت بعد از گرفتن حکم قانونی اعدام مخالفینش از یک قاضی و یک خرنوال هم باندش و بعد با پرداختن پول به یکی از آدمکشان حرفه‌ی بی‌بنام مخدوم عبدالله که پوسته‌ی در منطقه کزستان، تنگی فرخار داشت و یگانه مسیر عبور مرور فرخاری‌ها و ورسجی به شهر تالقان بود، وی را به قتل می‌رساند.

داستان کشته شدن معلم جمیل بیرحمی و سنگدلی مریض وار مشاهد را به نمایش می‌گذارد، معلم جمیل به امر مشاهد توسط مخدوم عبدالله گرفتار و به کشتارگاهش برده می‌شود. شخص مشاهد هر روز قسمتی از بدن معلم جمیل را پاره نموده نمک می‌پاشد. قرار گرفته شاهدان این شکنجه یک ماه دوام میکنند و تمام بدن او تکه تکه شده، تا آنکه جان می‌بازد.

با کشته شدن مخدوم عبدالله توسط داوود داود، شانس نیک دیگری برای مشاهد دست داد. با نابودی این آدمکش، اسناد و مدارک جنایاتی را که توسط او اجرا کرده بود نابود می‌شود. با کشته شدن داوود که او بعنوان رقیب و آخرین موی دماغ مشاهد در مربوطات حداقل تخار و کندز به شمار می‌رفت، یگانه مانع سیاسی و نظامی بالقوه در مقابل معامله گری هایش از سر راه برداشته شد و بعد از آن با دست بازتری مصروف یکه تازی در منطقه است.

در زمان اداره تنظیی برهان الدین ربانی، مشاهد یک ساله معاش معلمین و مامورین را دزدید. مامورین و معلمین شکایت را به ربانی که مقر اداره اش مقابل ریاست اطلاعات و فرهنگ ولایت تخار بود، پیش کردند. دفتر ربانی در آن زمان به جواب گفته بود که مشاهد معاشات شما را گرفته اما در دسترس نیست، او در ایران مسئولیت سفارت را بدوش دارد هر وقت آمد به مسئله رسیدگی می‌شود اما این قضیه تا حال مسکوت مانده است.

احمد مشاهد در اوایل حکومت کرزی سفیر افغانستان در ایران بود. ایران در کنار سایر کمک هایش ۲۰ بورسیه تحصیلی برای افغانستان داد. مشاهد تمامی این بورسیه های تحصیلی را به دوستان و اقارب بسیار نزدیکش اختصاص داد. از جمله بیست نفری که در چوکات این بورس راهی ایران شده بودند صرف مسعود ترشت وال و یک نفر دیگر در ادبیات توانستند به تحصیل ادامه دهند بقیه بحدی نالایق بودند که همه در همان سمستر اول ناکام شدند.

جاوید برادرزاده مشاهده که خانه سامانش در کابل بود، وقتی از رشته جیودیزی فاکولته جیولوژی و معدن پولیتخنیک کابل فارغ شد، رئیس یکی از شعبات دیزاین در وزارت انکشاف شهری مقرر گردید، که کوچکترین رابطه‌ای به مسلکش ندارد.

طاهر ایوب برادرزاده دیگر وی نیز زمانیکه از پوهنتون مزار فارغ شد، بلافاصله به حیث رئیس انکشاف دهات ولایت تخار مقرر گردید بعد از آن به ریاست منابع بشری وزارت انکشاف دهات ارتقا یافت. یک پسرش بنام عبدالله مشاهده شش سال میشود که در سفارت کشور در کانادا و قنصلگری ونکور خلاف همه نورمهای دیپلوماسی اجرای وظیفه مینماید و از سواد کافی نیز برخوردار نیست.

آگاهی یافتن از دارایی‌های واقعی وی شاید ممکن نباشد اما فقط بخشی از سرمایه، جایداد و ملکیت‌های وی که همه درباره اش می‌دانند را به معرفی می‌گیرم. با تحلیل مشاهده از این زاویه، برای مردم، برای چندمین بار به ثبوت میرسد که نظام فعلی که دم از دفاع از مردم و دفاع از دموکراسی می‌زند، اتکایش در ولایت تخار روی چه کسانی بوده و ماهیت شان چگونه است.

اگر از حمام‌های نمره و باغهای کوچک که مشاهده در اینجا و آنجا ورسج و تالقان و ولایات دیگر دارد چشم بپوشیم و به جایداد‌های بزرگترش نظر اندازیم، باید از هتل آریانا شروع کنیم. هتل آریانا در ولایت تخار از جمله هتل‌های مفشن و مرغوب شهر تالقان است و محافل گوناگون، خصوصاً محافل عروسی در آنجا برگزار می‌گردند. این هتل مشهور از شخص مشاهده می‌باشد.

تانک تیل آریانا که در جوار پل شهروان تالقان قرار دارد و پرفروش‌ترین تانک تیل در تالقان است نیز مربوط او می‌باشد. داستان این تانک تیل و کلاهبرداری مشاهده از نزدیکترین دوستش شاید نمونه خوبی باشد که ماهیت وی را شناخت. در زمان ولایت سید اکرام الدین معصومی، به نیت ایجاد تانک تیل شریکی بین معصومی و مشاهده، زمین را از صاحب آن به زور تفنگ خریدند. هنگامیکه سند بین فروشنده و خریداران به امضاء می‌رسید معصومی تاکید می‌دارد که نام هر دوی شان در جریان نوشتن قباله ذکر گردد، ولی مشاهده برایش استدلال می‌نماید که چون تو والی هستی اگر صدای این زورگیری بالا شود، موقت زیرسوال می‌آید و بدنام می‌شوی بنا ضرور نیست نامت را در قباله ذکر نمایم و این کار باعث شکست عهد شراکت من و تو نمی‌شود. چندی می‌گذرد و معصومی هم از چوکی ولایت برکنار می‌شود. وقتی تانک تیل آریانا یکی از پرفروشترین تانک در شهر تالقان می‌گردد، او نزد مشاهده آمده تا سهمی از عواید بدست آمده ی شراکت را بدست آورد. مشاهده با نهایت خم چشمی و دیده درایی، منکر عقد و پیمان درین رابطه شده و باین صورت دوستی و همدستی شان پایان می‌یابد.

زمین های آبی مشاهد در نهر چمن و سایر نقاط تخار بیشتر از ۷۰۰ جریب می باشند که در بهترین موقعیت های تالقان واقع اند. در شرایط فعلی هر جریب این زمین ها بیست لک افغانی خرید و فروش می شوند.

کرایه صرف دکان ها و سرای هایش در تالقان ماهانه یک میلیون و دو صد هزار افغانی می شود. تعداد حویلی هایش در کابل بالاتر از ده باب بوده که همه در مناطق قیمتی موقعیت دارند. تعداد زیاد آنها را به کرایه داده است. یک حویلی اش در شیرپور، یک حویلی در منطقه بادام باغ و یکی عقب سینما آریوب در باغ بالا موقعیت دارند.

در تالقان هم چندین حویلی در بهترین موقعیت های شهر از مشاهد اند، که از جمله حویلی ای که در سرک اول دارد و مدتی در زمان گریز گریز ربانی که با تحت هر سو میرفت و مدتی سفارت ایران بود که تنها ایران سفارت کاری در تخار داشت و فعلاً به یوناما کرایه داده شده است از جمله زمین غصب شده دولتی است.

در خارج از افغانستان جایاد های غیرمنقول وی که تا حال افشاء شده اند، یک حویلی در دوبی، یک حویلی در تاجکستان. ریاست ده که مسئولیت امنیت تمامی وزیران را به عهده دارد، امنیت مشاهد هم به عهده گرفته است. به همین مناسبت مشاهد ماهانه به تعداد سه صد نفر از ریاست ده اعاشه بدست می آورد. او که به امراض گوناگون گرفتار است، خوراکش نان جواری بیش نیست، دارایی هایش را قبل از مرگ میان اولادهایش تقسیم و ترکه کرده است. مشاهد علی الرغم آنکه آدم کینه دل، خودپسند و خودخواه است و به هر مسئله ی با در نظر داشت منافع خود برخورد می کند، در عین حال شخص متکبر و بد زبان است و سخت انتظار دارد که کسی پای خود را به پای او دراز نکند و همه بلی گوی او باشند. تنها آدم های برده صفت و زبون از موقف او استفاده برده می توانند که آماده چاپلوسی و تحمل غضب، دشنام های رکیک و پیشانی ترشی های او باشند. از جمله ده ها فردی که طبق تذکر بالا به نوکران او بدل شده اند فردی به نام حق نظر است که حالا شاید حق نظربای برایش بگویند.

او به واسطه مشاهد رئیس گمرک در یکی از گمرکات افغانستان تعیین شده و ازین طریق صاحب میلیون ها دالر شده است. او در چند محفل در حضور دیگران بدون اینکه عرق شرم بر پیشانی اش نمایان گردد، یادآور گردیده است که امروز اگر کسی کمتر از یک میلیون دالر را سرمایه بگوید احمق است. او که چند سال قبل به نان شب بند بود و پول نداشت، امروز چندین حویلی صرف در شهر تالقان دارد.

ملک و دارایی هایی که مشاهد و هم مسلکانش چون مطلب بیک، حاجی آغاگل، پیر محمد خاکسار، پیرم قل، قاضی کبیر مرزبان، بشیر چاه آبی و غیره به اصطلاح کلان های تخار با خدعه، نیرنگ، قتل،

تهدید، توطئه، دزدی، خیانت، چپاول، وطن‌فروشی و متوسل شدن به پستی‌های رنگارنگ بدست آورده اند، بدون احساس شرم و خجالت آن را داد خدا نامیده، خویش را خدادادگان جار می‌زنند تا این را ثبوت نمایند که دیگران که به پول و دارایی‌های افسانوی چون آنها نمی‌رسند نه اینست که ایشان دست به دزدی، وطن‌فروشی، جاسوسی، قتل و توطئه نزده اند بلکه ایشان را خدا نداده است. اولاده اینان اگرچه به پستی‌پدران‌شان آگاه اند دردل آن را تصدیق می‌دارند و می‌دانند که پدران‌شان تا جاسوس ورزیده نمی‌بودند و گذشته‌بیشراستی و وطن‌فروشی بر پیشانی‌شان از دور نمایان نمی‌بود، کجا ممکن بود به چوکی‌های مهم و بلند در سطح یک مملکت گماشته شوند. مشاهد و همقطاران‌ش وقتی به منابر سخنرانی می‌کنند، همیشه دفاع از جهاد و مقاومت و ارزش‌های اسلامی را قفله می‌کنند، ولی در عمل به غیر از تحکیم پایه‌های اقتصادی و اجتماعی خود و فامیل خود به چیز دیگری نمی‌اندیشند.

مشاهد در کرسی اداره مستقل اصلاحات و اداری و خدمات ملکی:

تیم کاری مصلحتی که به سرکردگی احمد مشاهد در اداره مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی کار می‌کنند، خود عاملان فساد اداری در کشوری باشند. این مطلب را عبدالمجید منشی کمیسیون اقتصادی پارلمان بیان نمود.

عبدالمجید می‌گوید که کارکردهای کمیسیون مستقل اصلاحات اداری در افغانستان ناکام بوده و تا حال اقدامی را جهت اصلاح اداره انجام نداده است. احمد مشاهد با تیم کاری مصلحتی‌اش، اشخاص بی‌کفایت و فاقد تحصیلات عالی را در بست‌های کلیدی با اخذ فیصدی سود مالی به نفع خود‌شان به کار گماشته اند.

در همین حال خانم گلالی جبارخیل رییس اداره مستقل اصلاحات اداری ولایت ننگرهار نیز بدلیل گذاشتن از اشخاص بی‌کفایت و فاقد تحصیلات عالی از سوی این تیم چندی قبل استعفا نمود و مشاهد را نیز متهم به فساد اداری نمود. منشی کمیسیون اقتصادی پارلمان می‌گوید که در جریان سال ۱۳۸۵ خورشیدی در ترکیب یک هیات از سوی شورای ملی جهت بررسی وضعیت اقتصادی عازم ولایت ننگرهار شده و در آن زمان خانم گلالی رییس کمیسیون اصلاحات اداری و خدمات ملکی آن ولایت از کار کردهای داکتر احمد مشاهد و تیم کاری وی انتقاد داشت. با توجه به ادعاهای خانم گلالی چند اداره را در آن ولایت مورد ارزیابی قرار داده که در نتیجه بررسی آنان مشخص شده بود که تعدادی از اشخاص نا اهل و بدون تحصیلات عالی، بنابر روابط با شخص مشاهد استخدام شده بودند.

گزارش این سفر‌شان را به شورای ملی نیز تقدیم نموده بود، اما از سوی شورای ملی در مورد کدام اقدام انجام نشد.

در حالی که در کنفرانس پاریس نیز جهت اصلاح اداره، به این کمیسیون مبلغ سه میلیارد دالر تخصیص داده شده است، عبدالمجید می گوید که تخصیص سه میلیارد دالر به این اداره، به معنی آنست که پول را غرض تباهی ادارات به عنوان اصلاحات به مصرف برساند. خانم جبارخیل چندی قبل در یک کنفرانس مطبوعاتی در کابل گفت- مشاهده مبلغ ده هزار دالر امریکایی را که اداره انکشافی سازمان ملل متحد (UNDP) با اداره اصلاحات اداری و خدمات ملکی ولایت ننگرهار مساعدت کرده بود، با مهارت خاص همراه با تعدادی از افرادش در عدم آگاهی وی از آن دفتر کشیده و در جیب های شخصی شان انداخته اند.

به اساس گفته های خانم جبارخیل، پست ریاست کار و امور اجتماعی ننگرهار در ماه جدی سال ۱۳۸۵ به رقابت های آزاد گذاشته شد، که جهت بدست آوردن این بست اشخاص ماستر ژورنالیزم، ادبیات، لیسانس اقتصاد، ماستر طب، لسانس شرعیات، به این رقابت ها راه یافته بودند، اما در نهایت یک شخص که فارغ صنف دوازده یکی از لیسه های ولایت ننگرهار بود، بنابر داشتن روابط که با مشاهد رئیس عمومی اصلاحات اداری و خدمات ملکی داشت، برنده اعلام گردید.

ابراهیم عادل وزیر سابق معادن

جامعه دو طبقه دارد:

طبقه ای که می خورد و کار نمی کند

طبقه ای که کار می کند و نمی خورد.



نشریه واشنگتن پست به تاریخ ۱۸ نوامبر ۲۰۰۹، پرده از عملکرد ابراهیم عادل، وزیر سابق معادن برداشت. این روزنامه فاش نمود که عادل در بدل اخذ ۳۰ میلیون دالر رشوت قرارداد دومین معدن بزرگ مس جهان، در مس عینک لوگر را به شرکت چینی، شرکت گروه استخراج و ذوب فلزات (Metallurgical Group Corp)، داد. ابراهیم عادل بدون این که اوراق داوطلبی دیگر شرکتها را مطالعه کند با دیدن بندل های دالر قرارداد را امضا کرد. روزنامه می نویسد- به قول یک مامور امریکایی که در استخبارات نظامی معلومات کافی دارد وزیر معادن و صنایع محمد ابراهیم عادل به گرفتن ۳۰

میلیون دالر امریکایی به عنوان رشوت از طرف شرکت چینی متهم شده است. این مقام امریکایی ادعا کرده است که پول متذکر در دسامبر ۲۰۰۷ در شهر دوی بعد از امضای قرارداد ۲ میلیارد و نهصد میلیون دالر مس عینک به عادل پرداخته شده است. این وزیر هم بدون اندک ترین بازپرس با پشتاره پول کشور را ترک نمود.

- محمود کرزی، برادر حامد کرزی، از جمله سران مافیا است که در قندهار زمین دولتی مربوط وزارت دفاع را غصب نموده است. زلمی زابلی در مصاحبه ی به تاریخ ۸ جنوری ۲۰۱۳ با رادیو آزادی گفت که محمود کرزی بیش از ۲۰، ۰۰۰ جریب زمین را در قندهار غصب نموده که بیشتر آن ملکیت وزارت دفاع است. برادران کرزی بر این زمین های غصب شده شهرکی به نام عینو مینه ساخته و قرار است ۱۳۰۰۰ خانه مسکونی را در آن بسازد.

- عنایت الله قاسمی چهره دیگر نظام کرزی است. وی به حیث وزیر ترانسپورت کابینه کرزی ایفای وظیفه می نمود. این شخص در زمان تصدی این پست، پول هنگفت این وزارت را حیف و میل کرد و بزرگ ترین لطمه را به شرکت هوایی آریانا وارد کرد. ذبیح الله عصمتی، رییس پیشین شرکت هوایی آریانا، می گوید: در زمان وزارت عنایت الله قاسمی و ریاست نادر آتش، آنان ۶۰ میلیون دالر اختلاس نموده و ۴۰ میلیون دیگر نیز به این شرکت خساره وارد نموده اند.

لوی څارنوالی به تاریخ ۸ مارچ ۲۰۱۱، قاسمی را با بکس پر از دالر در میدان هوایی کابل دستگیر کرد ولی با گذشت دو روز، کریم خلیلی معاون دوم کرزی وی را رها و به خارج از کشور فرستاد.

عمر داوودزی

در مملکتی که فقط دولت حق حرف زدن را دارد هیچ حرفی را باور نکنید.



در ۲۵ اکتوبر ۲۰۱۰، نشریه نیویارک تایمز فاش نمود که عمر داوودزی ماه یک یا دو بار بکس های پر از پول را به این کشور انتقال می دهد. این منبع می افزاید پولی که ایران به افغانستان می دهد، رقم بسیار بالا است. کرزی هم تایید کرد که داوودزی ماه یک یا دو بار یک میلیون دالر را از ایران به

افغانستان انتقال می‌دهد. بعد از این رسوایی ارگ بود که کرزی داوودزی را ارتقای مقام داد و ابتدا سفیر افغانستان در پاکستان و بعد وزیر داخله مقرر کرد.

به تعقیب افشای وابستگی پنهان ارگ از ایران، در ۲۹ اپریل ۲۰۱۳ نشریه نیویارک تایمز یک بار دیگر فاش نمود که (سی. آی. ای) نیز به دفتر کرزی ماهانه یک مقدار زیاد پول بدون حسابداری می‌پردازد. گفته می‌شود این پول در بین جنگسالاران تنظیمی تقسیم می‌شود تا منافع امریکا را در این کشور حفظ کنند. این رسوایی هم پس از چند روز سر و صدا، بسیار ماهرانه زیر زده شد.

وال ستریت ژورنال به تاریخ ۳ سپتامبر ۲۰۱۱ خبری را به نشر رسانید که در آن به اختلاس مالی جنرال ضیا یفتلی اشاره شده بود. در گزارش آمده که یفتلی عامل اصلی فساد مالی بیست میلیون دالر پول نقد و به ارزش ۱۵۳ میلیون دالر تجهیزات طبی است که به شفاخانه چهار صد بستر اردو کمک شده بود. مقامات امریکایی در ابتدا این قضیه را جدی گرفتند ولی با پا درمیانی حکام، دوسیه آن هم زیر زده شد.

جنرال ظاهر اغبر(شباب)

وقتی زور، جامه ی تقوا می پوشد، بزرگترین فاجعه در تاریخ پدید می آید.



فساد اداری به عنوان یکی از دشواری های بحران زا پس از سقوط امارت طالبانی و به حیث یکی از ویژگی های مهم و اساسی در بدنام سازی نظام نوپای افغانستان به حساب می آید. رجحان دادن منافع شخصی بر منافع ملی، استفاده از امکانات دولتی برای سرنگونی موانع در سر راه اعمال ناشایست، عدم پاسخدهی از عملکردها در وظایف حکومت و... . خصیصه های مهم و زیربنای اساسی فساد در ادارات است که بنابر گماشتن چهره های استفاده جو، بی سواد، خاین به منافع ملی به حیث یکی از چالش های مهم برای حاکمیت در افغانستان قد علم نموده است.

تشکیل حکومت های ائتلافی، نصب افراد بنا بر مصلحت های ائتلیکی، فشار جنگ سالاران بر فضای سیاسی و در کل گسترش فرهنگ معافیت زمینه را برای برخی از باندها و گروه های شریر مساعد

ساخت تا با استفاده از هر نوع ترفند و مانورهای فرا گرفته طی هرج و مرج سی ساله، مهره های غارتگر و خاین به منافع ملی را در پست های به اصطلاح لقمه آور جابه جا نمایند. گسترش فساد در افغانستان به حدی است که مجامع بین المللی کشورمان را در قطار دومین کشور آگنده با فساد در جهان تثبیت کرده و برای ادامه کمک های شان به محو این پدیده شوم شرط می گذارد. گونه های متعدد فساد اداری توسط مجریان حاکمیت، از طرف رسانه های متعهد و واقعی به کرات افشا گردیده است. اما بنا بر نبود قانون و بی توجهی شمار زیادی از اعضای شورای ملی به عنوان مرجع قانون ساز، راهبرد به جا و فراگیر در مقابل این پدیده شوم ایجاد نشده است.

جنرال ظاهر اغبر شهاب را تا حال هیچ گونه خدمتی از وی در کارنامه های نظامی به چشم نمیخورد ولی رتبه جنرالی را با مهارت فوق العاده. . . که دارد به دست آورده است و تاحال در چندین اداره نظامی و امنیتی تقرر و به دلیل سوی استفاده از موقف فسادهای مالی اداری و اخلاقی برکنار گردیده است ولی متأسفانه این بار بلای جان ورزش و ورزشکاران گردید.

سوی استفاده از موقف و امکانات دولتی، تقلب های گسترده، فساد اداری، فساد مالی، فساد. . . همه و همه در کمیته ملی المپیک توسط جنرال اغبر شهاب رییس المپیک با سوی استفاده روابط مافیایی، بدون اینکه چیزی از ورزش و المپیک و سپورت بداند چندین سال مصروف عیش و نوش درین اداره بود. قسمتی از عملکردهای وی:

- دستبرد و اختلاس شش میلیون دالر امریکایی کمک شورای المپیک آسیا برای انکشاف ورزش افغانستان.

- اخذ رشوت سه میلیون و پنجصد هزار دالر امریکایی از بابت سپردن زمین کامپلکس ورزشی به عزیزی بانک.

- دستبرد به بودیجه کمیته بین المللی المپیک.

- دستبرد های گسترده صد ها هزار دالر و ده ها میلیون افغانی با استفاده از بودیجه دولتی برای تهیه وسایل ورزشی.

- ایجاد شرکت های ساختمانی و وارداتی توسط اعضای فامیل اش و تخلف دریافت قرار داد های ساختمانی داخل استدیوم بدون سلسله مراتب قانون داوطلبی.

- اسناد جعلی دریافت بیست هفت میلیون افغانی بنام خرید وسایل ورزشی با استفاده از وسایل ورزشی کمکی عزیزی بانک.

- دو صد هزار دالر امریکایی از بابت خرید تکت سفر تیم های ورزشی به بنگله دیش در مسابقات.

- بیش از یکصد هزار دالر امریکایی از بابت خرید تکت سفر ورزشکاران به تایلند در مسابقات بازیهای رزمی.

- ده ها میلیون افغانی را تحت نام بودیجه فدراسیون های ورزشی دریافت مینمایند ولی تا حالا هیچ فدراسیون بنام بودیجه چیزی دریافت ننموده آنچه از فدراسیون های که ادعای حق و حقوق را نموده اند به گونه سرکوب گردیده حتی فدراسیون تکواندو.

این سوی استفاده ها در حالیهست که گرداننده گان اصلی ورزش که فدراسیون های ورزشی هستند هیچگونه معاش امتیاز و بودیجه برای آنها پرداخته نمیشود و در دسترس آنها قرار نگرفته صرف مبلغ بسیار ناچیز هفتصد افغانی ماهانه بنام عصریه به تعداد محدودی از اعضای تیم های ملی این فدراسیون ها پرداخته میشود.

- دریافت دوصد نفر اعاشه خشک کمکی از ریاست عمومی امنیت ملی بدون اطلاع مامورین ریاست عمومی تربیت بدنی و سپورت و کمیته ملی المپیک و اخذ اعاشه و ماکولات آنان.

- دریافت مصارف سفر های خارجی هیئت المپیک به خارج از کشور همزمان از چند طریق از بودیجه دولت و بودیجه کمیته بین المللی المپیک و شورای المپیک آسیا.

- حیف و میل اضافه کاری مامورین و اجیران.

وضعیت وحشتناک فساد اداری در این اداره:

- تعیین افراد بد که دارای پیشینه معاملات و دلالی و فساد اند.

- ارتباط با نماینده گی های سیاسی و سفارت ها بدون رعایت سلسله مراتب.

- برکناری مامورین که با وی شریک جوال دستبرد هایش نبوده اند.

- ارتباط با ورزشکاران ذکور و اناث بدون سلسله مراتب روابط با فدراسیون ها و مربیان تیم هایشان در ساعات رسمی و غیر رسمی.

- برخورد فیزیکی کاربرد الفاظ غیرادبی و اخلاقی که خلاف اصول ورزشی با استفاده از دهها نفر مسلح بسیار خشنش که به عنوان محافظ با وی میباشند همیشه اجیرها و مامورین اداره را مورد توهین و تحقیر قرار میدهد تا جرات هیچگونه ابراز نظر را در مقابل اعمال خلاف و سوی استفاده هایش نداشته باشند.

- پخش یک آهنگ به عوض سرود ملی در بازیهای آسیایی گوانجو ۲۰۱۰ چین، سرود ملی اگر هر ایرادی از نظر اغبر شباب داشته باشد ولی رسماً سرود ملی است نباید در حضور بیگانه ها دست به چنین رسوایی زد که باعث آبرو ریزی مملکت گردد.

- اغبر از پول ورزشکاران سه میلیون دالر در کانادا خانه خریداری نموده است.

- ظاهر اغبر رئیس کمیته ملی المپیک با دوازده تن دیگر از طرف ریاست ژانوالی مبارزه با جرایم فساد اداری.

بر اساس گزارشهای تعدادی از ورزشکاران، ظاهر اغبر اعضای خانواده و نزدیکانش را در پست های مهم کمیته المپیک نصب نموده است و میلیونها دالر از بودجه دولتی و کمک های جهانی را حیف و میل نموده است. وی کمیته المپیک را به بزنی خانوادگی اش مبدل نموده و از این طریق مشغول هرزگی و چپاولگری است. قبلا در کمیته المپیک یک جنگسالار به نام انور جگدلگ مشغول بدمعاشی بود، که کرزی او را به پاس این خدماتش به پست بلندتری ارتقا داده به مصداق "کله پز برخاست به جایش سگ نشست"، ظاهر اغبر را که در بداخلاقی و فساد شهره است نشانده. این مردک فاسد در فریب و نیرنگ جوهره ندارد. هر چند ژانوالی وی را احضار کرده است، اما با توجه به فساد حاکم کرزی، تصور اینکه دزدی های اغبر و شرکای جرمش واقعا پیگیری شده محاکمه شوند بعید به نظر میرسد، چون این خاین به باند مافیای شورای نظار ارتباط دارد که دست بلندی در دستگاه حاکمه دارند.

محراب الدین مستان

جهل همان نادانی و نداشتن علم و اندیشه کافی، و نفع که همان سود جویی و چپاول و به فکر خود بودن، و ترس که مانع رفتن به جلو یا همان صعود است.



محراب الدین مستان یکی دیگر از فاسدان این دولت است که سند دزدی یک میلیونی وی در تمامی شبکه های اجتماعی به نشر رسید. وی مربوط به گروپ دبل عبدالله است و در زمان وزارت خارجه اش، او را منحصیث دیپلمات در فرانسه مقرر کرد. پس از افشای این سند، ژانوالی کوشید تا وی را دستگیر و پول اختلاس شده را پس بگیرد ولی به زور عبدالله و فهیم این شخص هم مانند سایر چپاولگران در خارج از کشور زندگی مینماید.

دگروال آقاگل الهام (پنجشیری)

چقدر نشنیدن ها و نشناختن ها و نفهمیدن ها است که به این مردم، آسایش و خوشبختی بخشیده است!



آقا گل الهام پنجشیری رییس ارکان زون هفتصد و پنج پولیس سرحدی هرات مسکونه پنجشیر شخص آغشته به فساد در سرقت تیل قوای آیساف که از راه تورغندی داخل کشور می شود، شریک است. همچنان در بازارچه کلاته نظرخان اموال بدون محصول گمرکی از ایران وارد می شود با کمیسار آن مرز به طور شراکت محصول می گیرند و از راه میلک با قوماندان تولی به نام جلاد خان در مسیر راه پول اخذ می نماید. این فرد از راه میدان هوایی هرات طلا و زعفران را قاچاق می نمود که همه پرسونل زون پولیس آگاهی دارند. علاوه بر این به مسایل سمتی، لسانی، قومی و گروهی دامن می زند و ترس مسوولین هم از پنجشیری بودن اش هست و تا کنون بر سر کار خود بوده و به کارش کماکان ادامه می دهد. خارنوالی مواد مخدر امر دستگیری قوماندان تولی به نام جلاد خان در میلک را صادر کرده است اما چون الهام پنجشیری با وی شریک جرم بوده نمی گذارد به خارنوالی سپرده شود و به یکی از مافیای تیل در غرب کشور مبدل شده است.

ادامه دارد . . .

www.esalat.org